

بررسی ابعاد روان شناختی الگوهای سنتی پرورش کودکان در خانواده های ایرانی

وحید خدائی مجد¹
دکتر ارسطو بخشعلی اف²

چکیده

توانایی‌ها و قابلیت‌های فکری و روانی مردم ایران در زمینه های دین، عقل، تفکر، آداب و رسوم و سایر سرمایه‌های ملی و معنوی آنان که در قالب‌های خاص فرهنگی چون ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، قصه‌ها و ترانه‌های ملی و... شکل یافته است، جایگاه ویژه‌ای در نزد عموم طبقات جامعه ایرانی داشته و در تاریخ هویت و خودشناسی مردم ایران و معارف علمی و تربیتی آنان منعکس شده است. بر همین اساس مقاله حاضر با هدف معرفی و بررسی یکی از مهم‌ترین و عالی‌ترین پشتوانه‌های توسعه و تعمیق سلامت روانی در کودکان ایران معاصر تهیه شده است و به بررسی و تبیین ابعاد روان شناختی الگوهای سنتی پرورش کودکان در خانواده‌های ایرانی می‌پردازد. مقاله حاضر از نوع کیفی بوده و در بررسی داده‌ها نیز از طریق تحلیل محتوا و استفاده از رویکرد تفسیری که یکی از معیارهای اساسی در تحلیل داده‌های کیفی از نظر میلز و هابرمین می‌باشد، به تبیین مفاهیم تربیتی و روان‌شناختی لائائی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها و قصه‌های موجود در متن کتاب‌های مرتبط با فرهنگ فولکلور مردمان مناطق مختلف ایران، پرداخته است. با توجه به گستردگی جامعه مورد مطالعه تعداد 37 منبع معتبر و مرجع با کمیت محتوایی متفاوت برای بررسی روشهای تربیتی خانواده‌ها از مناطق فارسی زبان و آذربایجان به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب گردید و از این طریق درون‌مایه‌ها و مضامین اصلی آنان که در پرورش کودکان مورد توجه بوده است، استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشانگر آنست که از سالهای بسیار دور خانواده‌ها و بویژه مادران در ایران روش‌های تربیتی سالم و مبتنی بر ارزش‌های ملی و معنوی همچون قصه، لائائی، چیستان و ضرب‌المثل‌ها را برای رشد کودکان خود برگزیده اند که دارای ماهیت علمی و مضامین روان‌شناختی است و در شکل‌دهی به سلامت عمومی و تربیت صحیح کودکان حائز اهمیت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ابعاد روان شناختی، الگوهای سنتی پرورش، سلامت روانی، لائائی، چیستان، قصه، ضرب‌المثل

¹ دانش آموخته دوره دکتری رشته روان‌شناسی از دانشگاه دولتی باکو - جمهوری آذربایجان (نویسنده مسئول) Vahid.k_Majid@yahoo.com

² عضو هیئت علمی (استاد) دانشگاه دولتی باکو، دانشکده روانشناسی، جمهوری آذربایجان - باکو

مقدمه

در مطالعات و بررسی‌های علمی فرهنگی، آشنایی با نقش ارزش‌های ملی و معنوی ملت‌ها که در شکل‌دهی به تفکرات علمی و تربیتی آنها تأثیر بسزایی دارد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آشنایی با توانایی‌ها و قابلیت‌های فکری و روحی روانی هر ملت همچون عقل، طرز تفکر، آداب و رسوم، اخلاق، شیوهٔ امرار معاش و ثروت‌های معنوی از قبیل ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، چیستان‌ها، لالائی‌ها، ترانه‌های ملی و مردمی، شخصیت‌های شاخص دینی، آثار ادب و دانشمندان، نقش و نگارهای موجود بر روی سنگ‌ها و صخره‌ها و غیره، در بررسی‌های فرهنگی و علمی اهمیت خاصی پیدا می‌کنند. چنین ارزش‌های موروثی که مقام ویژه آن در دل و جان مردم و خانه و کاشانه‌ی عموم طبقات جامعه بوده، به شکل ملی و معنوی تبیین و تعیین می‌شود و در تاریخ هویت و خودشناسی مردم و زندگی روزمره و تاریخ و فرهنگ کلی آنان منعکس می‌شود. در لابه‌لای این منابع سرشار ارزشی که با ظرافت‌ها و احساسات مملو از اخلاق، درخشان و منور است، آمال و آرزوها، شایستگی‌ها، غرور و شعور و شخصیت ملی و نظایر آن مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. درختی که بر پایه و ریشه‌های متعلق به خود استوار نباشد در مدت کوتاهی پوسیده و از بین خواهد رفت. بنابراین، ملتی که براساس نژاد و ریشه‌های خاص خود زندگی نکند و به آثار ملی و معنوی خود تکیه ننماید از قافله‌ی تمدن و پیشرفت عقب خواهد ماند و در مدت کوتاهی در سراسیمی سقوط و انحطاط قرار خواهد گرفت. بنابراین ارزش‌های ملی و معنوی از مهم‌ترین خزائن برتری و برجستگی‌های فرهنگی یک ملت محسوب می‌شود (خدایی مجد، 2012).

برای معرفی روش‌های علمی و روان‌شناسانه مؤثر در امر تربیت کودکان که والدین و خانواده‌های ایرانی از آن بهره‌گرفتند، تحقیقات و بررسی‌های وسیعی لازم است و با اشاره کردن سطحی و محدود به تاریخ به کارگیری آن، حق مطلب ادا نخواهد شد. لذا هرگونه بررسی و تحلیلی در راستای هدف فوق بدون تکیه بر منابع ملی و بومی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در ایران میزان بهره‌مندی والدین و خانواده‌ها از تفکر روان‌شناسانه در تربیت کودکان، براساس ارزش‌های معنوی حاکم بر جامعه ایرانی شکل گرفته است و مبتنی بر منابع علمی کهن و فرهنگ عمومی می‌باشد این ارزش‌ها در تعلیم و تربیت فرزندان و در شکل‌دهی به هویت ملی - نژادی و مکتبی آنان و همچنین در بروز احساسات صاف و

متبلور آن‌ها نسبت به وطن و خلق خویش نقش مؤثر ایفا کرده است. این امر نشانگر آنست که ارزش‌های ملی - معنوی ملت ایران دارای ماهیت علمی و سرشار از مضامین روان‌شناختی است و در شکل‌دهی به سلامت عمومی و تربیت صحیح اجتماعی اهمیت زیادی دارد. بر همین اساس در بررسی ابعاد روان‌شناختی الگوهای سنتی پرورش کودکان در خانواده‌های ایرانی به معرفی و بررسی مهمترین روشهای تربیتی یعنی لالائی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها و قصه‌های بومی پرداخته می‌شود که نقشی مؤثر و مهم در تقویت ویژگی‌های روانی و اجتماعی کودکان دارد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع کیفی بوده، در بررسی داده‌ها نیز از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در جهت انجام دقیق فرآیند پژوهش، با توجه به گسترده بودن قلمرو جغرافیایی ایران و جمعیت زیاد و همچنین وجود قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت در آن، ابتدا از طریق نمونه‌گیری هدفمند استان‌های خراسان، فارس، کرمان و آذربایجان شرقی برای انجام مطالعه انتخاب شدند سپس با جمع‌آوری منابع و اسناد مربوط به فولکلور آن‌ها از کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی شهرها و استان‌های انتخاب شده، کار اعتبارسنجی آثار و منابع همچون کتاب‌ها و تحقیقات آغاز شد و از این طریق تعداد 37 منبع جامع و معتبر مطابق با جدول شماره (1) که محتوای آنها بیشترین تناسب را با محدوده سنی کودکی داشته است، از بین منابع مختلف با کمیت محتوایی متفاوت جهت انجام مطالعه پیرامون روش‌های تربیتی خانواده‌ها برگزیده شدند. با توجه به تنوع زیاد روش‌های تربیت سنتی، تعداد چهارشبهه که بیشترین استفاده را در بین خانواده‌ها داشته، در عین حال مؤثرترین روش‌های تربیتی برای کودکان به حساب می‌آید، تحت عنوان لالائی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها و قصه‌ها جهت مطالعه انتخاب شدند بر همین اساس واحد تحلیل، گفتار شفاهی بوده و واحد مطالعه نیز متون ثبت شده است. مقوله‌های بررسی شده هم شامل لالایی‌ها، قصه‌ها، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها می‌باشد.

جدول 1: روش‌های سنتی پرورش کودکان و فراوانی منابع مورد مطالعه

ردیف	روش	فراوانی منبع	کمیت محتوا
1	لالائی‌ها	10	2518 بیت
2	قصه‌ها	10	104
3	چیستان‌ها	7	5218
4	ضرب‌المثل‌ها	10	8874
	جمع	37	-

در کار تحلیل داده‌های مربوط به هر یک از روش‌های تربیتی فوق از شیوه یا رویکرد تفسیری¹ که یکی از معیارهای اساسی در تحلیل داده‌های کیفی از نظر میلز و هابرم (میلز و همکاران، 1994 به نقل از سفیری، 1387) می باشد، استفاده شد. بدین صورت که در مرحله نخست، کل لائیه‌های مورد استفاده مادران در استان‌های چهارگانه مورد مطالعه قرار گرفت. سپس درون‌مایه‌های نهفته در متن آن‌ها استخراج گردید و از طریق مقایسه و شناسایی مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، درون‌مایه‌ها یا مضامین روان‌شناختی لائیه‌ها در هشت آیت‌م یا دسته مطابق با جدول شماره (2) طبقه‌بندی شد. در کار تحلیل قصه‌ها نیز علاوه بر رعایت شیوه فوق، عمده‌ترین مؤلفه‌های مربوط به ارتقای سلامت روانی در کودکان با تأکید بر مؤلفه‌های مربوط به اعتماد به نفس مورد بررسی قرار گرفت. در زمینه تحلیل ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها نیز علاوه بر بررسی هر یک از ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها و استخراج مفاهیم تربیتی و روان‌شناختی موجود در آن‌ها، از نظرات همکاران متخصص نیز استفاده شد. با این حال سعی شده است با در نظر گرفتن مختصات و ویژگی‌های مربوط به یک روش علمی، ابعاد روان‌شناختی هر یک از روش‌های سنتی پرورش کودکان در ایران با جدیدترین آثار پژوهشی صورت پذیرفته در این زمینه مطابقت داده شود.

یافته‌های پژوهش

بررسی‌های صورت پذیرفته نشانگر آنست که روش‌های سنتی پرورش کودکان در ایران از قبیل لائیه‌ها، چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و قصه‌ها محتوای بسیار غنی دارد و دارای بار ارزشی، علمی و روان‌شناختی است برای روشن کردن ابعاد گسترده تربیتی و روان‌شناختی این روش‌ها در زیر به بررسی اجمالی هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

لائیه‌ها

یکی از بهترین و زیباترین سرمایه‌های ملی و معنوی ملت ایران که نشان خلاقیت بارز آنان در رفتار با کودکانشان می‌باشد، لائیه‌هاست. لائیه‌ها که یکی از باستانی‌ترین بخش ترانه‌های کودکان در فرهنگ عامه ملت ایران محسوب می‌شود، نغمه و آوازی است که توسط مادر و در سر گهواره نوزاد با آهنگی خاص و موزون خوانده

¹ - Interpretive approach

می‌شود. مادران با همین نغمه و آواز سحرآمیز که با هدف خواباندن و گاهی نوازش و یا آرام کردن کودکان صورت می‌گیرد، کودکان خود را به زیباترین مظاهر عالم تشبیه کرده و از جور و ستم دنیا شکایت‌ها و از همراهی زمانه با او شادی‌ها می‌کنند و همه خوبی‌ها را برای او می‌خواهند. بی‌هیچ شک می‌توان گفت که پاک‌تر و مقدس‌تر از لالائی‌های مادر، موسیقی وجود ندارد (خدایی مجد، 2012). چرا که به یقین لالائی‌ها نشان و بازتابی از جوشش احساسات خالصانه مادران به فرزندانشان است. آنها با عزیز شمردن فرزندان خود و آرزوی خوشبختی برای آنان، عشق و محبت به زندگی و وطن را به روح کودک خود تزریق و او را واکنش می‌کنند. لالائی‌ها، توجه به سرزمین و مردم، طبیعت، گل، رودخانه، دریاها، محبت، صفا، عدالت، درستی و دیگر احساسات ناب را به قلب کودک تلقین و زنده کرده، آنها را از لحاظ روحی و روانی برای برخورداری شدن از یک زندگی سعادت‌مند آماده‌تر می‌کند. لالائی‌ها اولین موسیقی در قالب کلام هستند که به شکل کاربردی و با حرکت ملایم گهواره، حس شنوایی کودک را تحریک کرده و با این کار، خواب را به چشمان کودک هدیه کرده، او را به آرامش فرو می‌برد. در اکثر لالائی‌ها که با حزن و اندوه و گریه توأم بوده، مادر علاوه بر ابراز عشق و علاقه نسبت به فرزند خود، درد دل خود را خالی می‌کند. لالائی‌ها محصول احساسات عاطفی و محبت قلبی مادر است و در لابه‌لای آنها نوعی احساس و عاطفه و عشق و محبت و آرزوهای عمیق نهفته است. علاوه بر این‌ها در لالائی‌های مادر که گاه با احساس گله و حسرت، تنهایی و نگرانی توأم است رنج و درد و بعضاً مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز به چشم می‌خورد.

بررسی محتوای لالائی‌های مادران ایران نشان از وجود افکار و احساسات گوناگونی است که ویژه خصوصیات روانی کودکان و نوزادان است و کاربرد آنها علاوه بر نوازش و خواباندن کودکان در جهات مختلف زندگی کودک بکار بسته می‌شود. بر همین اساس و مطابق با جدول شماره (2) به معرفی ابعاد و مضامین روان‌شناختی لالائی‌ها که مادران ایرانی در نوازش و آرام کردن کودکان زمزمه می‌کنند پرداخته می‌شود.

جدول شماره 2: مضامین روان شناختی لائیهی های ایرانی

ردیف	مضامین	فراوانی	درصد فراوانی
1	دعا برای سلامتی فرزند	293	11/64
2	آرزوهای مادرانه	391	15/52
3	خواباندن و آرام کردن	498	19/78
4	پیوند عاطفی میان اعضای خانواده	358	14/22
5	احساس مثبت نسبت به اسم خود	201	7/98
6	پرورش حس قدرشناسی	195	7/75
7	دغدغه‌های مادرانه	362	14/37
8	استفاده از جنبه موسیقایی لائیهی	2518	100
9	متفرقه (غیر روان شناختی)	220	8/74
	جمع	5218	100%

1- دعا برای سلامتی و سعادت فرزندان

دسته‌ای از لائیهی‌ها است که آنها مادر آرزو می‌کند فرزندش سالم و تندرست بماند. به همین خاطر او را به مقدسات می‌سپارد. از منظر روان‌شناسی این دسته از لائیهی‌ها با توجه به احساس اضطراب و عدم اطمینان قلبی مادر نسبت به آینده فرزندش است که با دعا کردن، برای دستیابی به سعادت و ایمنی فرزندش به اصلی‌ترین وسیله غالب و توانا که خداوند باشد، تمسک می‌جوید، برای نمونه:

لالا لالا که لالات می‌کنم من نگا بر قد و بالات می‌کنم من
لالا لالا که لالات بی‌لاباد نگهدار شب و روزت خدا باد. (هباته، 1385، ص 217)

2- آرزوهای مادرانه

در طیف وسیعی از لائیهی‌ها، مادر علاقه و محبت خود نسبت به فرزند را در قالب زیباترین و شیرین‌ترین آرزوها برای او ابراز می‌دارد. این لائیهی‌ها در سه محور اساسی زیر زمزمه می‌شوند:

1-2) آرزوی رشد همه جانبه شخصیت کودک

در دسته‌ای از لائیهی‌ها مادر آرزو می‌کند فرزندش رشد کرده و به ثمر برسد. روان‌شناسی این گونه از لائیهی‌ها با در نظر گرفتن ابعاد کلی رشد شخصیت فرد از لحاظ

جسمانی، روانی، عاطفی، اجتماعی و عقلانی صورت می‌پذیرد که در آن مادر انتظارات خود را در هاله‌ای از امید و آرزو بیان می‌کند. برای مثال در این لالائی آذربایجانی:

سایرام اُلدوزلری لای لای دیمیم یاتونجه
سَن حاصله بتونجه گوزلرم آی باتونجه
(احمدپناهی، 1383، ص 187)

2-2) آرزوی رشد اجتماعی فرزند از طریق فراگیری علم و معرفت

از آن جایی که یادگیری مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه کسب مهارت‌های اجتماعی محسوب می‌شود لذا مادران با درک عمیق این موضوع مهم، آرزوهای خویش و وظایف مهم و ضروری فرزندان در بهره‌مندی از یک زندگی موفق را در گرو تحصیل علم دانسته، بر همین اساس نیز توجه به آن را در قالب لالائی برای فرزندان‌شان زمزمه می‌کنند. در این راستا در قسمتی از لالائی‌ها، مادر آرزو می‌کند فرزندش باسواد و عالم شود. برای مثال:

لالا لالا عزیز ترمه پوشم کجا بردی کلید عقل و هوشم
لالا لالا که لالات بی‌بلا باد خودت مُلا، قلمدونت طلا باد
(بناهی سمنانی، 1386، ص 147).

2-3) آرزوی ازدواج فرزند و آینده روشن او

ازدواج به عنوان یکی از رویدادها و مراحل حساس در زندگی انسان، نقش بسزایی در رشد و تکامل اجتماعی فرد ایفا می‌کند. علاوه بر این تأثیر ازدواج در تأمین سلامت جسمانی و روان‌شناختی فرد اهمیت این مهم در نزد مادران را دو چندان می‌کند. به همین خاطر آنان ازدواج و همسرگزینی فرزندان‌شان را به عنوان دغدغه بزرگ و آرزوی اصلی خویش به حساب آورده و در قالب لالائی برای فرزندان‌شان بیان می‌کنند. لذا در دسته‌ای از لالائی‌ها، مادر آرزو می‌کند که کودکش بزرگ شده، ازدواج نماید. برای نمونه به این لالائی آذربایجانی توجه کنید:

تانیردان عهدیم بودو لای لاسی درین بالا
تویونو گوروم بالا یوخوسو شیرین بالا
(احمد پناهی، 1383، ص 186).

3- خواباندن و آرام کردن کودک با روش‌های تربیتی مثبت

از آن‌جا که هدف اصلی از زمزمه لالائی‌ها، خواباندن و آرام کردن کودکان می‌باشد، مادران ایرانی با توسل به روش‌های مثبت تربیتی همچون تشویق بموقع، تذکر بموقع، حمایت بجا و پرورش و تقویت حس اعتماد به نفس در کودک سعی دارند مناسب‌ترین کلمات و کارآمدترین روش‌های آرامش و نوازش را از خود نشان دهند. برای نمونه به این لالائی آذری زبان که برای خواباندن کودک زمزمه می‌شود توجه کنید:

لای لای ددیم یاتاسان	قیزیل گول باتاسان
قیزیل گولون ایچیند	شیرین یوخی تاپاسان
قیزل گولی دز لالر	مخمل اوسته سر لالر
او قیزین خیری اولسون	کی دی ینه ور لالر

(عمرانی، 1384، ص 155)

همچنین دسته‌ای از لالائی‌هاست که مادر در آنها از ناآرامی کودک و از اینکه چرا نمی‌خوابد، گلایه می‌کند. این لالائی‌ها گاه لحنی تذکرآمیز، گاه جدی و گاه طنزآمیز دارد. مثلاً:

لا لا لا گل پسته	شدم از گریه‌هات خسته
لا لا لا گل ریزه	چرا خوابت نمی‌گیری

(محمدی، قاینی، 1382، ص 35)

گاهی در این دسته از لالائی‌ها مادر پای «لولو» را هم به میان می‌کشد و از او کمک می‌گیرد. روان‌شناسی این دسته از لالائی‌ها بسیار جالب است چون مادر با شگردی که به کار می‌گیرد ضمن حمایت از کودک، «لولو» را از بچه می‌ترساند، نه بچه را از لولو! در ضمن یک اعتماد به نفس لفظی هم به کودک می‌دهد و با اذعان به اینکه خوبی باعث فرار پستی و بدی می‌شود می‌گوید: «لولو برو! بچه‌ی ما خوب است، می‌خوابد» و یا «تو از جان این بچه چه می‌خواهی؟ این بچه پدر دارد و شمشیر نیز بر کمر بسته است». و خلاصه چنین است و چنان، برای نمونه:

برو لولوی صحرای	تو از بچه چه می‌خواهی؟
که این بچه پدر داره	که خنجر بر کمر داره

(شاملو، 1378، ص 775)

4- تأکید بر پیوند عاطفی و اجتماعی میان اعضای خانواده

بسیاری از لائیه‌ها از نظر جامعه‌شناسی خانواده و روان‌شناسی اجتماعی ارزشی ویژه دارند، مثلاً در بیشتر لائیه‌ها مادر ضمن نوازش کودک و مانند کردن او به همه گل‌ها حتی گل‌قالی، به این اشاره دارد که پدر کودک بیرون از خانه و مادر تنهاست؛ در عین حال این لائیه‌ها افزون بر آنکه به پیوندهای عاطفی میان زن و شوهر اشاره می‌کند، نشانگر بافت خانوادگی و نقش اجتماعی والدین آنهاست. این که پدر برای فراهم آوردن هزینه‌های زندگی باید بیرون خانه کار کند و مادر مسؤول امور داخل خانه و به ثمر رساندن کودک است. همچنین زمزمه این نوع لائیه‌ها به تحکیم شخصیت پدر نیز کمک می‌کند. برای مثال:

بابات رفته به سربازی	لالا لالا گل نازی
بابات رفته شدم تنها	لالا لالا گل نغنا
بابات رفته خدا همراهش	لالا لالا گل خشخاش
بابات رفته مکن تشویش (شاملو، 1378، ص 773)	لالا لالا گل کیشمیش

و یا در این لائیه که مادر شادمانی خودش را از آمدن مرد خانه به کودک می‌گوید:

لالا لالا گل سوسون بابات اومد چشم روشن (همان منبع)

5- القای حس مثبت در کودک نسبت به اسم خود

در دسته‌ای از لائیه‌ها، مادر افزون بر آن که کودک را با کلام ناز، نوازش می‌کند لائیه را به نام او مهر می‌زند. این گونه صحبت کردن از لحاظ عاطفی و روانی قابل توجه است، چرا که از منظر روان‌شناسی اسم هر فرد بخش مهمی از شخصیت اوست. یک اسم مناسب می‌تواند احساس شرف و آرامش به انسان داده، جهت فکری و روانی او را تعیین نماید. خوشبختانه ایرانی‌ها، حس زیباشناسی و فرهنگ غنی خود را در انتخاب نام‌های نیکو و شایسته بر فرزندان خود نشان داده‌اند و این کار را به عنوان یکی از وظایف خطیر پدران و مادران در تربیت اسلامی و انسانی فرزندان قلمداد می‌کنند تا

بتوانند علاوه بر اسم مناسب، رسم‌های نیکویی بر جای بگذارند. در زیر نمونه‌ای از این لائ‌ها آورده شده است:

انیس و مونسیم باشی	لالا لالا گلم باشی
بشورین روی شهزاده	بیارین تشت و آفتابه
همون اسمش خدا داده (شاملو، 1378، ص 773)	که شاهزاده خدا داده

6- پرورش حس قدرشناسی در کودک

دسته‌ای دیگر از لائ‌ها با هدف آموزش جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی در کودک مورد توجه قرار می‌گیرد، مثلاً لائ‌هایی که در آن مادر آرزو می‌کند که کودکش بزرگ شده و قدرشناس زحمات او باشد. به این لائ‌ها آذری توجه کنید:

تانی ییتسون دادیوه	لای لای دیسم آدیوه
منی سالگین یادیوه (احمدپناهی، 1383، ص 187)	بویوک اولسان بیر گون سن

اما خود مادر پیشاپیش می‌داند که کودک این قدرشناسی را فراموش خواهد کرد لذا این چنین ادامه می‌دهد:

که دس مادر پییرت بگیری	لالاییت می‌کنم با دس پییری
بزرگت می‌کنم یادت نمیاد (هدایت، 1385، ص 217)	لالاییت می‌کنم خوابت نمیاد

7- دغدغه‌ها و نگرانی‌های مادرانه

کودکان و فرزندان هدایای خداوندی هستند که وجود نازنین آنها موجبات آرامش و سلامت روانی والدین خصوصاً مادران را فراهم می‌نماید. بر همین اساس مجموعه‌ای از لائ‌ها که از مفاهیم عمیق و زیبا سرشارند مادر ضمن اذعان به واهمه ناشی از تنهایی آن‌گونه با کودک گهواره‌ای خود درد و دل می‌کند و از غم‌ها و نگرانی‌های خود به او می‌گوید که گویی با یک آدم بزرگ سخن می‌گویند و از این طریق به خود وانمود می‌کند که با وجود فرزندش، بی‌کس و تنها نیست و با این روش به آرام کردن خود و فرزندش می‌پردازد. این‌گونه لائ‌ها در سه موضوع زیر زمزمه می‌شوند:

7-1) مرگ پدر

در این لالائی‌ها مادر از اندوه عشق از دست رفته و از تنهایی ناگزیرش برای کودک شکوه می‌کند. این لالائی‌ها با تمام لطافتی که دارند بیانگر یک زندگی به بن‌بست رسیده است. مثلاً:

گلم از دس برفت و خار مونده	به من جبر و جفا بسیار مونده
به دستم مونده طفل شیرخواری	مرا این یادگار از یار مونده

(شاملو، 1378، ص 774)

7-2) دوری پدر از خانواده و تنگنای ناشی از آن

لالا لالا عزیزم، کبک مستم	میون هر چه بود دل بر تو بستم
لالا لالا که بابات رفته اما	من بیچاره پابند تو هستم

(همان منبع)

7-3) نگرانی از بی‌وفایی و ازدواج مجدد پدر

لالا لالا گل‌قالی	بابات رفته که جاش خالی
لالا لالا گل‌ریزه	بابات رفته زنی گیره

(احمدپناهی، 1383، ص 183)

8- بهره‌گیری از جنبه موسیقایی لالائی‌ها

بررسی محتوایی لالائی‌ها از جنبه موسیقایی آن نیز حائز اهمیت است. زمزمه‌گر لالائی الزاماً باید لالائی‌ها را نه مانند یک شعر ادبی معمولی، بلکه باید با آهنگ بخواند. تأثیر و ثمربخشی این جنبه از سایر ویژگی‌های لالائی مهم‌تر است. زیرا همگامی آهنگ با لالائی است که کودک را در لذت و رؤیا غرق می‌کند و در او اثر می‌گذارد. از منظر روان‌شناسی، موسیقی نوعی نیاز روان‌زادی¹ برای شکوفایی استعداد فرد تلقی می‌شود. بنابراین پرداختن به موسیقی در لالائی نه به منظور ترویج آن در فرهنگ، بلکه در پاسخ به نیازهای طبیعی کودک مورد توجه قرار می‌گیرد. روان‌شناسان کودک بر این عقیده‌اند که استعداد موسیقایی یکی از استعدادهای اساسی در جریان رشد و تحول به شمار می‌رود. در این زمینه یکی از روان‌شناسان به نام هووارد گاردنر (1989) معتقد به وجود حداقل هشت نوع هوش در انسان است که عبارتند از:

- | | | |
|----------------------|----------------------|-----------------|
| 1- هوش منطقی - ریاضی | 2- هوش کلامی | 3- هوش موسیقایی |
| 4- هوش تجسمی - فضایی | 5- هوش بدنی - جسمانی | 6- هوش بین فردی |
| 7- هوش درون فردی | 8- هوش طبیعت‌گرایی | |

¹ - Psychogenic

از این هشت نوع هوش، دو نوع آن ارتباط مستقیم با تربیت موسیقایی دارد: یکی هوش موسیقایی که در آن به استفاده از وزن، هارمونی، هماهنگی، ریتم، آواز و نوای خوش، درک و ارج‌گذاری به اصوات و الحان موزون اشاره دارد. این هوش زیرساز مهارت شنیداری، نظم‌جویی، زیبایی، دوستی، گرایش به توازن و تعادل و درک کل‌نگرانه از هستی است. و دیگری هوش بدنی- جسمانی است که در قالب آن حرکات موزون قابل تفسیر و تحلیل است. برهمن اساس ساده‌ترین و زیباترین موسیقی برای شیرخواران و کودکان، لالائی مادر است زیرا اکثر کودکان و نوزادان با شنیدن لالائی مادر به آرامش می‌رسند یا به خواب می‌روند و این عمل به صورت واکنشی شرطی در آنها به یادگار می‌ماند. پس می‌توان گفت موسیقی مفیدترین مقوله‌ای است که می‌شود در سال‌های اولیه زندگی و پیش از دبستان برای آموزش و پرورش کودک انتخاب کرد و علاوه بر آن در جهت سازگاری اجتماعی، ثبات عاطفی، کنترل شخصی، افزایش تمرکز، انگیزش، احساس ارزش شخصیتی، تقویت ماهیچه‌ها و تقویت مهارت‌های خودیاری و غیره در کودکان مورد استفاده قرار داد.

قصه

شمار روزافزونی از روان‌درمانگران و متخصصان تعلیم و تربیت بهره‌گیری از قصه و داستان را به عنوان یکی از راه‌های اصلی پرورش و اصلاح رفتار انسان به خصوص در بین کودکان و نوجوانان تلقی می‌کنند. قصه و داستان به عنوان یکی از مناسب‌ترین روش‌های تربیتی، مهم‌ترین و ارزشمندترین ابزار برای خودشناسی است و کودک از این طریق مفاهیم و ارزش‌های موجود در آن را با مفاهیم و نظرات شخصی خود مقایسه می‌کند. کودک با خواندن یا شنیدن داستان‌های خوب و متناسب با نیازهای خود، می‌تواند با همذات‌پنداری با شخصیت‌های اصلی داستان، در انگیزه‌ها، کنش‌ها و تجربه‌های آنها سهیم شود. در این روند، داستان بخشی از تجربه‌های شخصی کودک یا نوجوان می‌شود و افزون بر چالش ذهنی برای آنها فرصتی برای خودآزمایی و مسأله‌گشایی در دسترس آنان می‌گذارد. همچنین کودک با شخصیت‌های داستان به طور غیرمستقیم در تعامل است و از طریق رویدادهای داستان با اطلاعاتی روبرو می‌شود که ممکن است در هیچ جای دیگر به آنها برخورد نکند. از این رو تلاش می‌کند آنها را در طرحواره‌ها یا الگوهای خود برون‌سازی کند. ویژگی مهم دیگر داستان سرگرم‌کنندگی، آرامش‌بخشی و لذت‌بخشی آن است. این تأثیرها همانند نیروی محرکه عمل می‌کند و

تحول ساختارهای ذهنی را آسان تر و سریع تر می کند. به عبارتی، هنگامی که قصه و داستان اشتیاق کودک را برمی انگیزد، تلاش برای برقراری تعادل در او تقویت می شود. به نظر می رسد کودک در دوره عملیات عینی (7 تا 11 سالگی) به موجب توانایی های خود می تواند واکنش مناسب تری به داستان نشان دهد. کودک در این دوره از بند خودمیان بینی¹ آزاد می شود. همزمان با فراگیری مهارت خواندن، داستان امکان مؤثر و کارآمدی فراهم می کند تا کودک دیدگاه های تازه ای که فرصت تجربه آنها را نداشته است، درک کند. کودک با خواندن یا شنیدن داستان مجال می یابد ذهنیت های ثابت و تغییرناپذیر خود را مورد شک و تردید قرار دهد.

از کارکردهای عاطفی داستان نیز می توان در رشد کودک بهره جست. هنگامی که کودک داستان را می خواند یا به آن گوش می دهد سه فرآیند «هماندسازی»²، «پالایش روانی»³ و «بینش»⁴ را تجربه می کند. اگر داستان مناسب حال و در خور استعداد کودک باشد، او می تواند خود را جایگزین شخصیت یا قهرمان داستان کند و از این طریق در انگیزه ها و تعارض های وی سهیم شود. هنگامی که کودک کشف می کند در مشکلات خود تنها نیست و کودکان دیگری نیز در این تجربه ها شریک هستند، احساس امنیت و آرامش می کند و از تنهایی او کاسته می شود. هنگامی که کودک و شخصیت مورد نظر انطباق یافتند، تخلیه هیجان ها صورت می گیرد، تخلیه روانی اغلب پس از رفع تعارض شخصیت های داستان رخ می دهد. به عبارتی کودک از طریق پالایش روانی، بستری برای تخلیه هیجان های خود پیدا می کند.

¹ - Egocentric

² - Identification

³ - Catharsis

⁴ - Insight

با توجه به این موارد که حاکی از اهمیت قصه و تأثیر آن در رشد روانی و اجتماعی کودک می‌باشد، ضرورت استفاده از قصه و داستان در رشد و پرورش کودکان بیش از پیش احساس می‌شود و توجه ایرانیان در طول اعصار و قرون قبل نیز نشان از حکمت عمیق آنها در استفاده از این روش در پرورش کودکان می‌باشد. بر همین اساس نگارنده نیز تلاش کرده است تا کارکردهای روان‌شناختی و تربیتی قصه‌های ایرانی را مورد توجه و بررسی قرار دهد. با این حال بررسی‌ها نشانگر آنست که قسمت اعظم قصه‌های ایرانی از نوع قصه‌های پریان بوده که پر از رمز و راز هستند و کارکردهای روان‌شناختی و تربیتی دارند و محتوای غالب آنها توجه به تقویت ویژگی‌هایی چون: همدات‌پنداری، مثبت‌اندیشی، پرورش قوه تخیل و خلاقیت، تقویت حس مسؤولیت‌پذیری و ایجاد تحول درونی در کودکان بوده و سعی شده است به پرورش مهارت‌های اجتماعی، انتقال ارزش‌های فرهنگی، دینی و اخلاقی و بویژه تقویت حس اعتماد به نفس و غیره در کودکان پرداخته شود. آنگونه که در داستان‌هایی چون: شاهزاده ملک محمد، محمد گل بادام، شاهزاده تیزتن، افسانه دیو و دختر، به دنبال بخت، کدوی قلقله زن، دختر شاه پریان و صدها داستان دیگر به شکل خاص و متفاوت منعکس شده است، در عین حال راویان و تدوین‌کنندگان قصه‌ها تلاش کرده‌اند با طرح موضوعاتی خاص از میزان فشارهای روانی احتمالی در کودکان از قبیل اضطراب، ترس، خشم، غم و اندوه و... کاسته شود و این نیز نشان از شناخت علمی و فراگیر ایرانیان در روزگاران دور نسبت به کارکردهای روان‌شناختی قصه و قصه‌گویی و تأثیر آن در درمان و کاهش نگرانی‌ها و دغدغه‌های روانی انسان و به ویژه کودکان است.

چیستان‌ها

یکی از روش‌های ارزشمند در پرورش سنتی کودکان و نوجوانان ایران استفاده از معما یا چیستان‌هاست که مسیر طولانی تکامل را طی کرده و در بخش مهمی از زندگی و معیشت مردم مورد استفاده قرار گرفته است. چیستان‌ها، سؤال‌هایی هستند در قالب رمزهای عامیانه که از قدیم با اهداف روان‌شناختی و با توجه به موقعیت‌های مختلف برای پر کردن اوقات فراغت، هوش‌آزمایی، شادمانی، سرگرمی، بازی ذهنی، یادگیری و افزایش اطلاعات، حل مسأله و آموزش آیین و آداب زندگی و... مورد استفاده قرار می‌گرفته و طرفداران زیادی به خصوص در بین کودکان و نوجوانان داشته است. استفاده از چیستان‌ها در مجالس و نشست‌های خانوادگی همراه با صرف شب‌چره‌هایی نظیر:

تخم آفتابگردان، تخم کدو، مغز گردو و کشمش و غیره صورت می‌گرفت بدین شکل که یک نفر از جمع خانوادگی که در طرح چیستان معلومات و تبحر بیشتری داشت مسأله یا معمایی جالب را مطرح می‌کرد و بقیه جهت پیدا کردن پاسخ به تفکر می‌پرداختند و جهت حل کردن معما حتی ساعت‌ها تلاش می‌کردند و هر کس که موفق به حل معما می‌شد، ابراز شادمانی می‌کرد و بقیه او را مورد تشویق و تحسین قرار می‌دادند و بدین وسیله شب خوشی را می‌گذرانیدند.

با توجه به ساختار وجودی چیستان‌ها که آمیزه‌ای از سرگرمی، هوش‌آزمایی و بازی ذهنی است (محمدی، قایینی، 1382) انسان‌های روزگاران پیشین همیشه در پی آن بودند که با ابزارها و آزمون‌های مناسب، اندازه هوش کودکان و نوجوانان را بیازمایند. چیستان‌ها بهترین ابزار برای اندازه‌گیری هوش و توانایی ذهنی افراد بود که آنها را در جمع و به خصوص در کانون خانواده یا گردهمایی‌هایی با دیگران در میان می‌گذاشتند. علاوه بر آن چیستان‌ها علمی‌ترین و مناسب‌ترین روش برای تربیت و تحریک تفکر، تخیل، ادراک و عامل اصلی رشد و تقویت هوش، خلاقیت، حافظه، نطق و بیان و... در بین کودکان و نوجوانان به شمار می‌رفت. علاوه بر اینها مشاهده و درک مفاهیم موجود در چیستان‌ها، موجب حفظ بلندمدت بسیاری از مفاهیم و معلومات در ذهن افراد می‌شد. از جهات دیگر نیز چیستان‌ها موجب گستردگی و افزایش اطلاعات و آگاهی‌های انسان می‌شود. با طرح سؤال یا معما و یافتن پاسخ آنها، کودکان و نوجوانان با طبیعت و اشیای موجود در آن و همچنین با کیفیت آنها آشنا می‌شوند. در جدول زیر به نمونه‌هایی از چیستان‌ها و جواب‌های آنها که در قالب جملات کوتاه و به شکل نثر و یا به صورت نظم مطرح شده است، اشاره می‌شود.

جدول 2: نمونه‌ای از چیستان‌های ایرانی و پاسخ‌های آن‌ها

پاسخ	چیستان	سوال
خدا	آن چیست که یکی است و دوتا نمی‌شود و همیشه با تو است؟	1
نور	آن چیست که از شیشه می‌گذرد ولی آن را نمی‌شکنند، از میان آب می‌گذرد ولی خیس نمی‌شود؟	2
کفش	آن چیست که همه برایش خم می‌شوند؟	3
هندوانه	آن چیست که داخلش سرخ و شیرین و لباسش سبز و زمخت است؟	4
چای	آن چیست که در مزرعه سبز است و در مغازه سیاه و در خانه سرخ؟	5
سکوت	آن چیست که تا اسمش را می‌آورند، می‌شکند؟ (میرنیا، 1379)	6
انار	آن چیست، اتافی پر از یاقوت؟	7
خواب	آن چیست که هر شب سراغمان می‌آید اما هیچ وقت صدای پایش را نمی‌شنویم؟	8
شانه	آن چیست که دندان دارد ولی چیزی نمی‌خورد؟	9
لته و دندان	روی دیوار سرخ، جوجه‌های سفید صف بسته چیست؟	10
کاهو	برگ سبز چمنی، ورق ورق تو می‌شکنی؟ (جهانشاهی، 1377)	11
چون او پلیس است	پدر احمد می‌تواند یک اتوبوس پر از مسافر، یا یک کامیون پر از بار را با یک دست نگه دارد، چگونه امکان‌پذیر است؟	12
کتاب	آن چیست که بی‌زبان سخن می‌گوید از قول من و تو قصه‌ها می‌گوید با آن که در او نیست نه دندان و نه لب بی‌برده ز کار این و آن می‌گوید؟	13
ماه	دختری چهارده ساله بالغ شود چون به سن سی رسد بچه شود؟ (پهروزی، 1367)	14
یومورتا (تخم مرغ)	آق اتاق، قاپیسی یوخ؟ (اتاق سفید بدون در)	15
نقطه	منده ده وار، سنده ده وار، زرگر ده وار، میسگر ده یوخ؟ (من، تو و زرگر دارد ولی مسگر نه)	16
سوغان (پیاز)	پالتارین چیخاردان دا، آدامی آغلادار؟ (موقع در آوردن لباسش، آدم را به گریه می‌اندازد)	17
قورباغه	دونیا یا گلنده آیاقسیز گلر، دونیادان گندنده آیاقلی گئدر؟ (به دنیا که می‌آید پا ندارد، از دنیا که برود پا دارد)	18
سماور	آراسی جهنم، دوره‌سی دئیز؟ (وسطش جهنم، دورش دریا)	19
اینه (سوزن)	اؤ ندی هامینی بزر، اؤزی لوت گزر؟ (آن چیست که همه را زینت می‌دهد و خودش لخت می‌ماند) (بهرنگی، 1379)	20

ضرب‌المثل‌ها

یکی از جالب‌ترین شیوه‌های تربیت کودکان در ایران، استفاده از ضرب‌المثل‌هاست. مثل‌ها سخنان کوتاه و حکیمانه پیشینیان است که برای آیندگان به ارمغان نهاده شده است و تصویر روشنی از تجربه و اندیشه‌ی گذشتگان را در قالب پند و اندرز و حکمت در عباراتی کوتاه و نغز در دسترس مردم قرار می‌دهد و جای توضیح بیشتر را می‌گیرد و نشانگر طرز تفکر، روحیه و خصوصیات اخلاقی و عقیدتی افراد آن جامعه محسوب

می‌شود. ضرب‌المثل پدیده‌ای است که ضرورت و نیازهای مردم آن را خلق کرده و از سال‌های دور تاکنون سینه به سینه گشته و به ما رسیده است و هر قوم و ملتی به زبان مناسب با اوضاع و احوال خود آن را بیان کرده و از آن استفاده می‌کند.

در بیان نقش مثل‌ها در تحکیم روابط اجتماعی و نزدیکی افکار باید گفت که با وجود کوتاه و مختصر بودن، بی‌درنگ بر دل نشست و باعث می‌شوند گفتگوهای طولانی کوتاه شود. اگر کسی مثلی را درست و در جای خود به کار ببرد، گفتارش شیرین‌تر و حرفش اثربخش‌تر می‌شود. «استفاده از مثل‌ها، عقل را زیاد و هوش را تقویت و سخن را شیرین و دیده را بینا و نظر را رسا و درست و یاددارنده‌اش را عزیز و بزرگ و صدرنشین می‌سازد» (سروری، 1385). از لحاظ روان‌شناسی مثل‌ها با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و رسایی، شنونده را در افکار عمیق فرو می‌برد و آن جمله را از گوش به اعماق قلب سوق می‌دهد و انفعالات هیجانی و شناختی در نقش او به وجود می‌آورد (عفیفی، 1382). مثل‌ها به عنوان اصول استدلالی، دستاویز انسان‌ها برای حاکم و محکوم کردن در گفتگوها و مباحثات در زندگی روزمره محسوب شده و افراد هر زمان بخواهند حرف خود را به کرسی بنشانند از آنها استفاده نموده و مطالبات خود را به دست می‌آورند. اینجاست که ضرب‌المثل‌ها به عنوان یک خاستگاه اصیل و مداوم در معاشرت و تبادل افکار مطرح شده، روابط کلامی را رنگین می‌کند. به عنوان مثال دو نفر با هم صحبت می‌کنند و یکی از آنها به ناراحتی خود آب و تاب داده و خود را درمانده و مسأله را به عنوان یک مشکل حاد قلمداد می‌نماید، دوستش به او می‌گوید که چرا «از کاه، کوه می‌سازی؟» درست است که مشکل دارید ولی این را که تو گفتی در سطحی نیست که خود را بسیار درمانده نشان بدهید.

با توجه به تنوع ضرب‌المثل‌ها و کاربرد گسترده آن در بین مردم، و لزوم استفاده از آنها توسط مشاوران و روان‌شناسان به عنوان رویکردی شناختی در تغییر رفتارهای اجتماعی و درمان اختلالات روانی افراد، آشنایی با باورها و ضرب‌المثل‌ها به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شود و در این خصوص نیز مؤلف مقاله به تناسب مطالعه و شناخت نسبت به منابع موجود و همچنین تجارب کاری متخصصان، چند ضرب‌المثل را از میان باورهای رایج افراد که مضامین روان‌شناختی دارد و در ارتباط با تربیت و پرورش کودکان و تحقق سلامت روانی افراد مناسب می‌باشد، استخراج نموده و برای معرفی عرضه می‌دارد.

جدول 3: مفاهیم و ویژگی‌های روان‌شناختی و تربیتی برخی از ضرب‌المثل‌های ایرانی

ردیف	ضرب‌المثل	مفهوم	ویژگی روان‌شناختی
1	رنگ رخساره نشان می‌دهد از سر درون.	ظاهر انسان بیان‌کننده حالات درونی اوست	1- نشان دادن هیجان‌ها، 2- تشخیص حالات روانی انسان از روی رفتار
2	خنده بر هر درد بی‌درمان، دواست.	با حفظ نشاط می‌توان بر تمام مشکلات و دردها فائق شد.	1- توجه به تأثیرات سازنده خنده و نشاط، 2- درمان از طریق خنده
3	دل به دل راه دارد.	کنایه از محبت و مودت دو طرفه می‌باشد.	1- توجه به روان‌شناسی عشق و صمیمت، 2- توجه به قانون روانی جذب و تعارف روحی
4	گل پشت و رو ندارد (عقیقی، 1382)	موقع نشستن اگر کسی ناگزیر شود پشت خود را به دیگری کند، از وی عذرخواهی می‌نماید و طرف مقابل نیز در جواب این عبارت را می‌گوید.	1- استفاده از تکنیک‌های زیبانگاری، 2- احترام به دیگران، 3- مثبت‌اندیشی و داشتن نگاه مثبت به دیگران
5	از تو حرکت، از خدا برکت.	تو تلاش کن خدا هم تو را بی‌نیصیب نمی‌گذارد.	1- ارزش قابل شدن به تلاش توأم با امید، 2- توکل بر خدا
6	آدم باید لقمه را به اندازه دهانش بگیرد.	آدم باید کاری را انجام دهد که با توجه به توانایی خودش باشد.	شناخت واقعی توانایی و ظرفیت خویش
7	چون است و جوای نام آمده.	کنایه از فرد تازه‌کاری که فعالیت و جسارت زیادی از خود نشان می‌دهد.	شور جوانی همراه با غرور و اعتماد به نفس کاذب و بیش از اندازه
8	علف به دهان بزی شیرین می‌آید. (سروری فخر، 1385)	زمانی که کسی از چیزی خوشش بیاید هر چند دیگران آن را نپسندند.	توجه به نسبیّت ارزش‌ها در انسان
9	کلاه خود را قاضی کردن.	با خود خلوت کردن برای ارزیابی از خود و مصلحت‌اندیشی	توجه به خودارزیابی و دید انتقادی داشتن نسبت به اعمال خود
10	از آن مترس که های و هوی دارد، از آن مترس که سر به تو دارد.	از آدمی که پر سر و صداست نباید ترسید، از آدمی که ساکت و بی‌صداست باید ترسید، زیرا نمی‌دانی که درون او چه می‌گذرد.	1- توجه به ویژگی شخصیت‌های درون‌گرا و بیرون‌گرا، 2- عدم قضاوت از ظاهر انسانها
11	خم به ابرو نیاوردن.	کنایه از پایداری و استقامت در مقابل مشکلات و سختی‌ها.	1- نشان از ظرفیت روانی بالا 2- تسلیم نشدن در برابر نایسانها
12	بخند تا دنیا برایت بخندد.	در هنگام سختی‌ها، با روی خوش و امیدوار عمل کن تا مشکلات راحت‌تر سپری شود و با مشکلات به راحتی برخورد کن.	توجه به تأثیرات مثبت‌اندیشی و مثبت نگری در مقابل مشکلات
13	عاقبت جوینده یابنده بود.	کنایه از این است که اگر در راه رسیدن به هدف تلاش و کوشش کنی، بالاخره به نتیجه دلخواه می‌رسی.	توجه به قدرت اراده و نتیجه تلاش و پشتکار در انجام کارها
14	دود از کنده بلند می‌شود (شاملو، 1378)	اشاره به اشخاص مسن‌تر که باتجربه‌تر از جوانان هستند.	1- ارزش تجربه‌آموزی در زندگی 2- اهمیت دادن به تجارب بزرگ‌ترها و دیگران
15	فرزند بزرگت را تربیت کن، فرزند کوچکت خودبه‌خود تربیت خواهد شد.	کنایه از اهمیت و ضرورت اصولی بودن روش تربیت فرزند اولی و تأثیر آن در تربیت فرزندان بعدی دارد.	1- الگوپذیری فرزندان بعدی از فرزندان بزرگتر، 2- توجه به همذات‌پنداری
16	بیرلیک هاردا، دیری لیک اوردا	بقای زندگی به وحدت و یکدلی است.	1- اهمیت برقراری روابط اجتماعی و نقش آن در سرزندگی و نشاط 2- نتیجه تفاهم در زندگی
17	پیچاق و یرسان قانی چیخماز.	وضعیت ناشی از شدت عصبانیت.	توجه به آثار منفی ناشی از عصبانیت و خشم.
18	یامان گونون عمری از اولار.	پایان شب سیه سپید است.	1- امیدواری در زندگی 2- تحمل سختی‌ها و مصائب به امید پیروزی
19	بش بارماغ، بشی ده بیر اولماز.	هیچ کس با هم برابر نیستند.	1- توجه به تفاوت‌های فردی 2- متفاوت بودن شخصیت‌ها
20	اتل گوجی، ستل گوجی (مجتهدی، 1381).	نیروی عظیم یک جمعیت را نمی‌شود مهار کرد.	- توجه به اصل هم افزایی

در اکثر ضرب‌المثل‌های ایرانی بهره‌مندی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی همچون رشد، عقل، تفکر، تخیل، قابلیت، صنعت و پیشه و همچنین جهات اخلاقی - اجتماعی شخصیت از قبیل احترام، همکاری، محبت، رازداری، مهربانی و... موج می‌زند و می‌توان از آنها در رشد و تکامل انسان استفاده کرد.

همچنین در بررسی ضرب‌المثل‌های ایرانی شاهد توجه پیشینیان به جنبه‌های تربیتی و آموزشی کودکان و استفاده از شاخه‌های مختلف روان‌شناسی از جمله روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی شخصیت، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی تربیتی و بهداشت روانی هستیم، چنانکه در عبارات یا مثل‌های فوق، توجه به تفاوت‌های فردی، تحلیل رفتار، استعداد و توانایی، ویژگی‌های جوانی، نسبت ارزش‌ها، درون‌گرایی و... آشکارا به چشم می‌خورد که امروزه به عنوان موضوع اصلی مورد بحث در کلاس‌های تربیتی و روان‌شناسی و تألیف کتب علمی و انجام پژوهش‌های دانشگاهی محسوب می‌شود. به یقین وجود این مثل‌ها، انعکاس تفکراتی است که امروزه از آنها می‌توان در پیشرفت نسل‌ها و همچنین در شاخه‌های مختلف علم روان‌شناسی و دانش تعلیم و تربیت از جهات تاریخی، نظری و تجربی به طور وسیع و گسترده استفاده کرد و به ترویج این حقیقت اقدام کرد که ضرب‌المثل‌های ایرانی بسیار برگزیده و با حکمت بوده و یکی از مؤثرترین نوع ارزش‌های ملی و معنوی در پرورش و سلامت کودکان و نوباوگان این سرزمین می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات صورت پذیرفته نشانگر آنست که توجه به چگونگی پرورش کودکان اهمیت ویژه‌ای برای والدین و به ویژه مادران در ایران داشته است و آنان سعی داشتند روش‌های تربیتی سالم و مبتنی بر ارزش‌های ملی و معنوی را برای رشد کودکان خود برگزینند. برای نمونه لائیه‌های مادران ایرانی نمونه‌ای بسیار جالب از خلاقیت بارز آنان در برقراری ارتباط با کودکانشان و شیوه تربیت آنان می‌باشد. نتایج صورت پذیرفته در سطح بین‌الملل نیز بیانگر تأثیرات اساسی و عمیق لائیه‌ها بر ابعاد مختلف رشد کودکان و نوزادان دارد و این امر مؤید علمی بودن رفتار مادران ایرانی با فرزندانشان می‌باشد. اخیراً یک اتحادیه اروپایی با هدف جمع‌آوری لائیه‌های مختلف اروپا با نام «زبان‌های

گهواره‌ای»¹ تأسیس گشته تا لائیه‌ها را از سرتاسر اروپا جمع‌آوری نماید. در این طرح، لائیه‌های هفت زبان اصلی اروپایی، «ایتالیایی، یونانی، انگلیسی، دانمارکی، چک، ترکی و رومانیایی» گردآوری شده و در جهت شناساندن و ترویج آنها، در اختیار نسل جوان قرار داده می‌شود. در بخشی از این طرح مسؤولین اتحادیه می‌خواهند از طریق راه‌اندازی وب سایت و تولید DVD و CD و کتاب، به اشاعه و ترویج لائیه‌ها اقدام نمایند و همراه با ترجمه، آنها را در دسترس مدارس، کودکانستان‌ها، بچه‌ها و خانواده‌ها قرار دهند (ژوزفسُن، 2008a).

براساس گفته مسؤولین این اتحادیه، لائیه‌ها تنها برای به خواب بردن نوزادان به کار برده نمی‌شود بلکه در پیشرفت و میزان رشد کودکان و همچنین افزایش روابط محبت‌آمیز بین والدین و کودک و همچنین بهبود زبان، ایجاد انگیزش و به عنوان روشی مدبرانه در ترویج و گسترش زبان‌های جدید در بین خانواده‌ها مؤثر می‌باشد. (ژوزفسُن، 2008b) همچنین در مورد تأثیرات مثبت خواندن لائیه در افزایش وزن اطفال زودرس²، نتایج یک مطالعه دو ساله در دانشگاه جورجیا بر روی 62 طفل زودرس نشان داده است که رابطه نزدیکی بین آهنگ‌های مخصوص کودکان که همان لائیه‌ها هستند و افزایش میزان مکش طفل در هنگام تغذیه از شیر مادر و در نتیجه افزایش وزن نوزادان زودرس وجود دارد (کوآسکو و گرانت، 2005). نتایج جدیدترین پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که خواندن آوازهای ساده خصوصاً لائیه‌ها به تسکین درد کودکان و نوزادان زودرس کمک می‌کند و سرعت بهبود کودکان بیمار را افزایش می‌دهد. (کولینگ وود، 2010) در ارتباط با تأثیر خواندن لائیه بر بهداشت روانی مادران نیز نتایج مطالعات و تحقیقات فردمن (2010) در استفاده از یک مدل درمانی به نام «101 برنامه لائیه»³ در مرکز جامعه سلامت ذهن⁴، که با هدف کاهش احساس نگرانی مادران و درمان اختلالات مربوط به مبتلایان افسردگی، اختلال دوقطبی، اسکیزوفرنی در میان زنان باردار و پس از زایمان صورت گرفته است، نشان از مؤثر بودن استفاده از لائیه‌ها در رفع نگرانی‌ها و درمان اختلالات روانی مادران است. مطالعات و تحقیقات (کارولن و

¹- Language from the Cradle

²- Premature infant

³- The Lullaby 101 Program

⁴- Community mental health center

همکارانش، 2011) در دانشگاه ایرلند نیز نشان از تأثیرات مستقیم خواندن لالائی در کاهش استرس دوران بارداری¹ در بین زنان باردار دارد.

درباره تأثیرات روانی تربیتی قصه‌ها نیز برخی محققان همچون (آریا و تبریزی، 1382) و (امین دهقان و پریخ، 1382) و (پریخ و ناصری، 1390) در باور به اثربخشی داستان بر رشد شناختی، عاطفی و رفتاری کودک هم‌رأی هستند. آنها معتقدند هنگامی که کودک داستانی را می‌خواند یا به آن گوش می‌دهد، با قهرمان داستان همانندسازی کرده و به پالایش روانی می‌پردازد و بینش او افزایش می‌یابد. در فرآیند همانندسازی، کودک خود را جایگزین قهرمان اصلی داستان می‌کند و از این طریق در انگیزه‌ها، تعارض‌ها و تجربه‌های وی سهیم می‌شود. در این روند، کودک از جنبه شناختی، تجربه‌های خود را کامل‌تر می‌کند و از نظر عاطفی، تنش‌های خود را کاهش می‌دهد و احساس آرامش می‌کند، همچنین از بعد رفتاری با الهام از قهرمان داستان به اصلاح رفتارهای خود می‌پردازد. همچنین نتایج مطالعات (چونگ و تامسون، 2008) نشانگر آنست که قصه و بیان مطلوب آن بهترین وسیله برای تقویت هوش هیجانی بوده و در انتقال بسیاری از مفاهیم آموزشی مؤثر می‌باشد. در این ارتباط (مریس و برتراند، 2007) بر این باورند که مهدهای کودک به علت تنوعی که می‌توانند در ارائه برنامه‌های آموزشی خود داشته باشند می‌توانند با استفاده از قصه و قصه‌گویی بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را به کودکان آموزش دهند.

در ارتباط با چیستان‌ها نیز که از جمله مهم‌ترین مواد اولیه در ادبیات فولکلور به شمار می‌آیند نمونه‌های روشنی از کاربرد روان‌شناسی و آداب تربیتی مشاهده می‌شود. در ارتباط با تأثیرات روان‌شناختی چیستان‌ها استفانوا² (1387) معتقد است که مطرح ساختن چیستان در واقع پاسخی است به یکی از نیازهای انسان: پذیرفتن دنیا توسط بازی‌هایی که بوسیله موجودیت نمونه نخستین³ از یک بازی اولیه قابلیت شرح و بسط می‌یابند. پوتر⁴ (به نقل از: بلوکباشی، 1379) نیز چیستان را نوعی استعاره می‌داند که حاصل اولیه روند ذهن انسان در بیان تداعی، سنجش و ادراک همانندی‌ها و ناهمانندی‌ها بوده است. او معتقد است این نوع سخن استعاره‌ای برای ما حجتی است در پذیرش تقدم چیستان به

¹- Stress during pregnancy

²- Stefanova

³- Archetype

⁴- Potter

صورت‌های دیگر ادبیات با همه صورت‌های معارف شفاهی. وی همچنین حضور فراگیر عنصر تخیل و هوش را در چیستان تاییدی احتمالی بر قدمت این نوع سخن می‌داند. سید غراب (1379) و شعور (1382) نیز در باور به اثربخشی چیستانها بر رشد شناختی و عاطفی معتقدند که طرح چیستان‌ها و یافتن پاسخ آنها زمینه‌ای برای تحرک ذهنی بوده و موجب افزایش یادگیری و اطلاعات از طریق حل مساله می‌شود. در عین حال چیستان‌ها عاملی برای شادمانی و نشاط و تقویت جنبه آفرینندگی در فرد می‌باشد. آنگونه که نمونه‌ای از آن‌ها در صفحات پیشین مدنظر قرار گرفت و می‌تواند نشانه‌ای از تفکر روشن ایرانیان پیشین در توجه به ضرورت‌های اساسی در تربیت اجتماعی فرزندان باشد که با استفاده از روش‌های مناسب سعی داشتند فرزندان‌شان با پیروی از اصول مورد احترام و استفاده از عقل و خرد، نیکوکاری در زندگی را فرا گیرند. اما آنچه قابل تأمل است پژوهشگران ایرانی در زمینه بررسی ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی این بخش از فرهنگ عمومی فعالیت علمی چندانی نداشته‌اند و ضرورت انجام پژوهش‌های علمی و ریشه‌ای که بتواند به شناسایی و معرفی جهان‌بینی ایرانیان در پرورش فرزندان‌شان بپردازد، بیش از پیش احساس می‌شود.

پیشنهاد‌های کاربردی

تغییرات سریع ناشی از صنعتی شدن، استفاده از روش‌های ارزشمند سنتی در پرورش کودکان توسط مادران و خانواده‌ها را به فراموشی سپرده است و در نتیجه منجر به کم اثر شدن نقش و فعالیت‌های تربیتی والدین در روند رشد اجتماعی و عاطفی فرزندان شده است. با توجه به نتایج یافته‌های پژوهشی حاضر، پیشنهادهایی در جهت بهره‌مندی بیشتر از روش‌های سنتی و مطلوب خانواده‌های ایرانی که در پرورش کودکان می‌تواند کارساز و مفید باشد ارائه می‌شود:

- لالایی و لحن گرم، خوش آوا و آرام بخش آن، هنگام خوابیدن و آرام کردن کودکان دارای تاثیرات تربیتی نخستین بر روی بچه هاست. باید اطلاع‌رسانی وسیعی برای والدین و خانواده‌ها در زمینه تأثیر لالایی بر کودکان در قالب بروشور، سخنرانی، کتاب، تولیدات موسیقی و.... بشود تا همه والدین کودکان خود را قبل از خواب و هنگام ناآرامی با لالایی همراه کنند. محتوای لالایی‌ها باید در بر گیرنده دنیای اطراف و قابل لمس کودک باشد. بنابراین باید از کلماتی استفاده شود که برای کودکان قابل تجسم و قابل درک و فهم باشد تا از شنیدن آن لذت کافی ببرند.

- مورد دیگر احیای مجدد لائئ هاست شاعران خوش ذوق می‌توانند از سر دلسوزی لائئ‌ها را احیا کنند و گام مهمی را در این راه بردارند.
- با توجه به نقش جذاب و دوست‌داشتنی قصه و تأثیرات روانی و اجتماعی آن بر روی فرد و همچنین قدرت وصف‌نشدنی آن در ایجاد پیوند میان کودکی و بزرگسالی استفاده از آن توسط مادران یک ضرورت انکارناپذیر است. بر همین اساس آشناسازی والدین و بویژه زوجین جوان با اهمیت، نقش و تأثیر قصه‌ها در رشد کودک و چگونگی بهره‌گیری از این هنر بزرگ از طریق رسانه‌ها، جراید و مطبوعات می‌تواند مفید باشد. همچنین ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای کسب مهارت‌های کلامی و داستان‌خوانی برای والدین و مربیان مهد کودک‌ها برای استفاده صحیح و کاربردی از داستان‌ها کارساز است. همچنین با توجه به نقش سازنده آموزش و پرورش، ایجاد ساعات درس‌قصه‌گویی برای دانش‌آموزان پایه ابتدایی به صورت فوق‌برنامه می‌تواند در پرورش استعداد‌های کودکان و رشد روانی، عاطفی و اجتماعی آنان فوق‌العاده مفید و موثر باشد.
- همچنین با توجه به تأثیرات مثبت و اساسی چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها در پرورش کودکان، توسعه و غنی‌بخشیدن آنها توسط متخصصان روان‌شناسی و ادبیات کودکان ضروری است. جمع‌آوری و معرفی چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌های مناطق مختلف در قالب کتاب‌ها، CD، و... به همراه ترویج آنها توسط رسانه‌های دیداری و شنیداری و مطبوعات و استفاه والدین و مربیان از آنها برای پرورش کودکان می‌تواند مفید باشد. در عین حال تلاش مستمر و ادامه تحقیقات در این عرصه می‌تواند ابعاد مختلفی از تأثیر‌گذاری روش‌های سنتی بویژه لائئ‌ها، قصه‌ها، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها بر روند رشد کودکان را نشان دهد.

منابع:

- آریا، عباس و تبریزی، مصطفی (1382)، کتاب درمانی. تهران: فرا روان.
- احمدپناهی، محمد (1383)، ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. تهران: سروش.
- استفانوا، آنا (1387)، «چیستان‌ها به عنوان یک پدیده روان شناختی در فولکلور»، ترجمه رضا خاشعی، فصل نامه نجوای فرهنگ، سال سوم، شماره 7.
- امین دهقان، نسرين و پریخ، مهري (1382)، «تحليل محتوای کتاب‌های داستانی مناسب کودکان در گروه سنی (ب) با رویکرد کتاب درمانی». فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره 24، صص 19-53.
- بلوکباشی، علی (1379)، چیستان نامه دزفولی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بهرنگی، صمد و دهقانی، بهروز (1379)، متل‌ها و چیستان‌ها، تبریز: بهرنگی.
- بهروزی، محمد جواد (1367)، چیستان در ادبیات فارسی. شیراز: کانون تربیت شیراز.
- پریخ، مهري و ناصري، زهرا (1390)، «بررسی میزان تأثیر برنامه‌های کتاب درمانی بر کاهش پرخاشگری کودکان». مجله مطالعات ادبیات کودک، دانشگاه شیراز، سال دوم، شماره اول، 33-58.
- پناهی سمنانی، محمد (1386)، ترانه‌های ملی ایران. تهران: مؤلف.
- جهانشاهی، ایرج (1377)، چیستان‌ها، تهران: فاطمی.
- سروری فخر، محمود (1385)، ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: پل.
- سفیری، خدیجه (1387)، روش تحقیق کیفی. تهران: پویش.
- سیدغراب، علی اصغر (1379)، «سیر تحول و کاربردی چیستان در شعر فارسی»، فصلنامه نشر دانش شماره 93.
- شاملو، احمد (1378)، کتاب کوچه (جامع لغات، اصطلاحات، تعبیرات، ضرب‌المثل‌های فارسی). حرف (ب). دفتر اول، تهران: مازیار.
- شعور، اسدالله (1382)، «ریشه‌های نمود ادبیات شفاهی «چیستان‌ها» در فرهنگ اوستایی»، فصلنامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره 2.
- عقیقی، رحیم (1382)، امثال و حکم. تهران: صدا و سیما.
- عمرانی، ابراهیم (1384)، لالائی‌های ایران. تهران: پیوند نو.
- مجتهدی، علی اصغر (1381)، تورکی دیلینده مثلر، تبریز: فخر آذر.
- محمدی، محمدهادی و قایینی، زهره (1382)، تاریخ ادبیات کودکان ایران «ادبیات شفاهی و دوران باستان». تهران: چیستا.
- میرنیا، سیدعلی (1379)، فرهنگ مردم «فولکلور ایران». تهران: پارسا.
- هدایت، صادق (1385)، فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.

-
-
- Carolan, M., Barry, M. Gamble, M. Turner, k. Mascarenas, O. (2011), The limerick Lullaby project: An intervention to relieve prenatal strees. Mar 1, 2011 from <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/21371795>.
 - Cevasco, A.M., Grant, R.E. (2005), Effects of the pacifier activated Lullaby on weight gain of premature infants. *Journal Music Therapy*, Summer; 42(2): 123- 39.
 - Chung, M.S. & Thomson, D.M. (2008), Development of face recognition. *Britis Journal of Psychology*. 86, 55- 87.
 - Collingwood, J. (2010), Music Benefits Preterm Babies. *Psych Central*. Retrieved on November 17, 2011, from <http://www.psychcentral.com/lib/2010/music - benefits- preterm- babies>.
 - Friedman, S.H., Kaplan, R.S. & Rosenthal, M.B. (2010), Music Therapy in perinatal Psychiatry: Use of Lullabies for Pregnant and Postpartum Woman with Mental Illness. *Journal of music and medicine*. 2(4). 219- 225.
 - Gardner, H., Hatch, T. (1989), Multiple Intelligence. Go to school: Educational Implication of the Theory of Multiple Intelligence, *Educational Researcher*; Vol.18, No. 8.
 - Josephson, J. (2008a), European Union lingua Project, Lullabies of Europe. Feb 26, 2008 from <http://www.mailtalk.ac.uk/cgi-bin/webadmin>.
 - Josephson, J. (2008b). Languages from the Gradle (The Lullabies of Europe). June 27, 2008 from <http://www.merlot.org/merlot> view Material.htm
 - Khodaei- Majd, V. (2012), Direction toward the development of psychological thinking in Iran during the 20th century. Doctoral dissertation. Baku state university.
 - Merys, C.B. & Bertland, J. (2007), Developmental relations between cognition and longuazg. New York: Brookes.
 - Miles, M.B. & Huberman, M.A. (1994), *Qualitative Analysis: An Expanded source book*. Thousand Oaks, CA. Sage.

